



فاشیسم اسلامی با آجرهای نادانی، دیوارهای بتونی و بلند بین ملت های ساکن ایران ایجاد نموده است . در جریان انقلاب مشروطه در سال ۱۹۰۵ میلادی ، مردم کردستان صاحب اراده‌ی سیاسی بوده و در مقابل ارتجاع حاکم در ایران تصمیم به تسلیم نداشتند. تاریخ مبارزات مردم کردستان و آذربایجان در جریان انقلاب مشروطه ناگفته‌ها و ناشنیده‌های بسیاری دارد و، هنوز بطور دقیق آرشو نگردیده‌است. مواضع آزادیخواهان و انقلابیون آذربایجان از جمله : شیخ محمد خیابانی، حیدر عمو اوغلی ، ستار خان و باقر خان آتش به خرمن باروت استبداد شاهنشاهی زده و آنرا شعله ور ساختند. اما بادموافق بر بادبان کشتی مشروطه خواهان و انقلابیون نوزید. حاکمان تهران پس از کسب هژمونی سیاسی، از جناب ستار خان برای دیدار مجلس نمایندگان دعوتی بعمل آوردند، اما مخالفین دمکراسی و مشروطه ، در پارک اتابک بمنظور شکستن غرور و اعتبارسیاسیش به او تیراندازی کرده و زخمی کردند. فرصت طلبان و سیستم گندیده پادشاهی و ساختارهای متحجرشان مسیر انقلاب مشروطه را منحرف کردند. انقلاب مشروطه، شمار زیادی از مخالفین استبداد و انقلابیون را طعمه‌ی شمشیر خون چکان خود کرد، اما کلتور دمکراسی خواهی و آزادی بیان در افکار عمومی ایرانیان که خواستار تحول بنیادی بودند ، کماکان روند نسبتا بالنده‌ای داشت . استقامت و سخت گیری ها و اندیشه‌های بت شکنانه‌ی مشروطه خواهان ، در پروسه‌ی مطلوبی ادامه داشت و افکار عمومی ایرانیان را تا حدودی تسخیر نموده بود .

در جریان انقلاب مشروطه ، جناب باقر خان و جناب ستارخان و هیئت همراهانشان که ستون فقرات انقلاب مشروطه بودند، برای بسط یگانگی و چاره‌ی دردهای مشترک و شکست قطعی " مشروعه خواهان" به سرزمین کردستان و شهرتاریخی سکاها( سقر کنونی) سفری کرده‌اند. ساکنین سقر از هیئت آذربایجان استقبال شکوهمندی کرده‌اند. هیئت آذربایجان با نمایندگان و رهبران کردستان گفتگو و نشستی دوستانه داشته و به توافق رسیده‌اند. در این سفر تاریخی هیئت آذربایجان ، ضمن تشریح توطئه‌های ارتجاع مذهبی و طرفداران سیستم کهن ، از مردم کردستان تقاضای کمک نموده ، که در راستای شکست قطعی استبداد و نظام گندیده‌ی شاهنشاهی، قاطعانه تر و مصممانه تر در نبرد با استبداد، با نیروی های آذربایجان همکاری گسترده تری داشته باشند .

اکنون آنچه خرد پذیر می نماید آنست ، دین پدیده‌ایست که مکان جغرافیائی برای انسان تعیین میکند. زمان و مکان جغرافیائی توانائی محدود کردن انسانیت و بشر دوستی را ندارند. شوینیزم ناب ایرانی و بنیادگرایان اسلامی با تمام نیرو و قوا و بطور سیستماتیک تبلیغات مسموم کننده و زهر آلود وسیعی را در ماسمیدیا و ارگان های تبلیغاتی‌شان پخش مینماید. توده‌های بی‌شماری را در پروسه‌ی مغز شویی قرار داده و به دامن خرافات انداخته و فریب داده‌اند. پلانفورم و سیاست های فاشیسم اسلامی اقیانوسی از نفرت را بگونه‌ای در بین مردم ناآگاه ایجاد نموده ، که حکومت تیئوکراسی توانسته بر ناآگاهی توده‌ها تکیه نماید. تاریخ وظیفه‌ای برعهده‌ی نیروهای مترقی و دمکرات وچپ مدرن گذاشته تا ترجمه‌ای لوژیک و منطقی از نوابغ مارکسیزم ارائه‌دهند. و توده‌های مردم را به عدالت اجتماعی و منافع خویش آگاه نمایند. و همزیستی مسالمت امیز و حق تعیین سرنوشت ملت های ساکن ایران را در پلاتفورمی برسمیت شناخته و تبلیغ و ترویج نمایند. وارگانهای سیاسی فراگیر و دمکراتیک را برای حاکمیت شورائی، ایجاد نمایند. و افکار عمومی توده‌ها را در مسیر تحول گذار از حکومت دیکتاتوری بسوی حاکمیت شورائی قرار دهند. و گذار خشونت پرهیز را بعنوان کم دردمر ترین راه حل و تغییر بنیادی انتخاب نمایند. تا توطئه‌های بنیاد گرایان اسلامی را خنثی کرده و بستر و زمینه‌های زندگی مسالمت آمیز را بین ملت ها بدور از خون ریزی و خشونت ، ممکن و هموار سازند. قبل از اقتدار جمهوری اسلامی در شهر هائی که دموگرافی آنها بیشتر به دولت ترک و کرد تعلق داشتند مانند ورمی (رضائیه)

نقده، میان‌دوآب، ساین قه‌لا (شاهین دژ) خوی و ماکو همزیستی ادیان و دیدگاه‌های مختلف و احترام به دگر اندیشان وجود داشت و سالیانی متمادی همدیگر را تحمل و بشیوهی مسالمت آمیز با همدیگر زندگی می‌کردند.

پایان